

سه سرزمین یک زبان



نهمین نشست «سه سرزمین، یک زبان» با حضور کریستوفر کلویله از آلمان، روبرت پروسر از اتریش و راافال اوروایدر از سوئیس در روز سه‌شنبه سوم اردیبهشت ساعت ۱۶:۳۰ در مرکز فرهنگی و بین‌الملل شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم بر گزار می‌شود. شهر کتاب با همکاری ایزنی‌های فرهنگی این سه کشور از سال ۱۳۹۰ در اردیبهشت هر سال و به مناسبت برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، میزبان سه شاعر و نویسنده از آلمان، اتریش و سوئیس بوده که علاوه بر داستان خوانی به تعامل با نویسندگان، شاعران و علاقه‌مندان ایرانی می‌پردازد. این نشست با حضور نویسندگان و شاعران ایرانی بر گزار می‌شود و پس از داستان خوانی نویسندگان آلمانی زبان، درباره وضعیت ادبیات معاصر در این سه کشور بحث و گفت‌وگو می‌شود.

روشنایی‌های شب

حسن لطفی

فیلم‌های جهانی



در اینکه جشنواره جهانی فیلم فجر به دلیل قوانین دست و پاگیر و شرایط خاص کشورمان محدودیت‌های زیادی در پذیرش فیلم‌ها دارد شکی نیست اما این امر مانع از ایجاد تنوع و جذابیتش نسبت به جشنواره فیلم فجر ملی نشده است.
با این حساب و با توجه به اینکه تیم بر گزار کننده جشنواره تغییر چندانی نکرده است با شروع سی و هفتمین دوره جشنواره می توان منتظر برنامه‌های نسبتا خوبی در پردیس سینمایی جارسو و سینما فلسطين بود. البته به شرط آنکه شرایط خاص اقتصادی و تحریم‌های تحمیلی از یکسو و عادی شدن این رویداد برای بر گزار کنندگان جشنواره را نسبت به سال‌های پیش ضعیف تر نکرده باشد.
جشنواره‌هایی که در آن نمایش فیلم همراه با برنامه‌های جانبی متنوعی بود.
برنامه‌هایی که با اماندازی هوشمندانه باشگاه مخاطبان و مرکز آموزشی دارالفنون باعث شده تا جشنواره مشتریان ثابت و وفادار خود را جذب کند.
مشترسانی که گویا قرار است زمینه ورود تعدادی از آنها به سینما با جشنواره جهانی گره بخورد.
با این حساب جنبه‌های آموزشی و تربیت مخاطب در جشنواره جهانی فیلم فجر اهمیت زیادی دارد
اهمیتی که در بخش آثار نیز بیشتر از سینمای امریکا و اروپا متوجه فیلم‌های کشورهای شرقی و جهان سومی می‌شود.
این امر اگر چه ممکن است سطح کیفی فیلم‌ها را تحت‌تاثیر قرار دهد اما یک ویژگی مهم دارد.
از آنجایی که فیلم‌های مطرح امریکایی و اروپایی روز دنیا با امکانات موجود به راحتی در دسترس است؛ به نظر می‌رسد تماشای فیلم‌هایی از چین، گرجستان، آذربایجان و... خالی از لطف نباشد (بگذریم از آنکه در سال‌های گذشته سالن‌های نمایش دهنده فیلم‌های این کشورها با تماشاگران اندکی روبرو بود و تماشاگران ترجیح می‌دادند فیلم‌های ایرانی یا خارجی صاحب نام تر را تماشا کنند).

گذشته از این فیلم‌های کمتر دیده‌شده، نمایش فیلم‌های کلاسیک مرمت‌شده نیز فرصت مغتنم دیگری است که برای بینندگان حرفه‌ای تر سینما فراهم می‌شود.
بگذریم از آنکه انگار انتخاب فیلم برای این بخش هم نیاز به تغییر در نگرش و دیدگاه است؛ دیدگاهی که اگر تغییر کند باعث نمایش فیلم‌های خوبی از سینمای قبل از سال ۱۳۵۷ خواهد شد (فیلم‌هایی نظیر سوت‌ه‌دلان، آرامش در حضور دیگران، پستچی، دایره مینا، قصیر، تنگنا و...) فیلم‌های که باعث تغییر در سینمای کشورمان شده‌اند.
البته بخشی از تغییر این نگرش مستلزم پذیرش شرایط جدید جامعه (تعداد زیاد بینندگان شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، با وجود ممنوعیت استفاده از ماهواره، امکان تماشای هر نوع فیلم اعم از مجاز و غیر مجاز و...) است.
شرایطی که باعث تفاوت فاحش میان قوانین جاری و برنامه‌های خصوصی مردم کشورمان شده است.

رونمایی از کتاب «ستایش روز»



«ستایش روز» نام کتاب مجموعه آثار گزیده محمود جوادی‌پور (از پیشگامان هنر نوگرای ایران -درگذشته آذر ۱۳۹۱) است که توسط نشر نظر منتشر شده و به زودی رونمایی می‌شود. همچنین نمایشگاهی با همین عنوان از آثار جوادی‌پور در گالری میمز خانه هنرمندان برپا شده است. کتاب «ستایش روز» دو زبانه (فارسی و انگلیسی) در قطع رحلی در ۴۵۰ صفحه گلاس به ابعاد ۱۲۰۰ نسخه و با قیمت ۴۷۰ هزار تومان از سوی نشر نظر منتشر شده‌است. این کتاب در تاریخ جمعه ۳۰ فروردین ساعت ۱۸ در خانه هنرمندان ایران رونمایی می‌شود.

تیتیر مصور ا نتردام

لی لون



متن در حاشیه

از گلستان او بر ورقی

ابراهیم گلستان زبانی تند و تیز دارد و دیدگاه‌هایی تند و تیز تر. در نامه مفصلی که در فروردین ۱۳۶۹ به سیمین دانشور نوشته‌چنان مفصل که حالا به‌هیات کنایی درآمده: «نامه به سیمین» (انتشارات بازتابنگار) - چیزهایی به‌او می‌گوید درباره تقابل سنت و مدرنیته و مفهوم وطن و به‌ویژه درباره زندگی و آرای جلالی که موقع نوشتن نامه ۲۱ سال از مرگش می‌گذشته که سیمین برای همیشه نامه را بی‌جواب می‌گذارد. حالا هم که دیگر هیچ... جواب مانده برای دنیایی دیگر؛ خواننده «نامه به سیمین» ممکن است با نظرات و دیدگاه‌های گلستان - بخش‌هایی با تمامش - موافق باشد یا نباشد؛ اما مهم نیست.

این خواندن این نامه را نباید از دست داد. با وجود همه چیز، این نامه‌سندی تاریخی است که رویدادهای دوره‌ای از تاریخ ادبیات مدرن ایران و ریشه‌های آنها را می‌شود در آن رصد و وااکوی کرد. فقط هم این نیست؛ می‌توان نگاه نخلهای از روشنفکران متجدد ایرانی را هم در آن جست‌وجو کرد فارغ از اینکه با چنین دیدگاه‌هایی - یا با همه آنچه در این نامه نوشته شده - موافق باشیم یا نه، خواندن این نامه را نباید از دست بدهیم. اساسا این روش عقب‌مانده‌ای است که برای موافقت یا مخالفت کتاب بخوانیم. کتاب را باید برای کشف و تامل خواند؛ نه له یا علیهش بودن. جایی از این

عکس‌نوشت



info@etemadnewspaper.ir
www.etemadnewspaper.ir

آبیم نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید

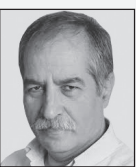
■ **صاحب امتیاز و مدیرمسئول:** الیاس حضرتی
■ **جانشین مدیر مسئول و رئیس شورای سیاستگذاری:** بهروز بهزادی
■ **سردبیر:** سیدعلی میرفتاح
■ **معاون اجرایی:** حجت طهماسبی
■ **مشاور مدیر مسئول:** محمد حضرتی
■ **رئیس سازمان آگهی‌ها:** علی حضرتی
■ **نشانی:** خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، بن بست مینو
■ **تلفن‌خانه:**۶۶۱۲۴۰۲۵ - ۶۶۱۲۴۰۲۴ - ۶۶۱۲۴۰۲۱؛ **نمابر:** ۶۶۱۲۴۰۲۱
■ **توزیع:** نشر گستر امروز ■ **تلفن:** ۶۹۲۳۰۰۰
■ **چاپ:** همشهری (۳) ■ **تلفن:** ۴۴۵۴۵۰۷۶

■ **اذان ظهر:**۱۲/۰۴ ■ **غروب آفتاب:** ۱۹/۰۴ ■ **اذان مغرب:** ۱۹/۵۸ ■ **صبح صبح فردا:** ۴/۵۸ ■ **طلوع آفتاب فردا:** ۶/۲۷

در حوالی ادبیات

اسدالله امرایی

من از کنگار اکس خوشم نمی‌آید



«تمایل فیزبولوزیک به واقعیات و مادیات تقریبا از زمانی در تورسوف به وجود آمد که او از معاشرت با دوستان مرتاض، بودیست و تاتونیشتیس سیر شد که البته قبلا با نیروی فوق‌العاده‌ای به سوسی آنها کشیده می‌شد، درست مانند نیرویی که اینک او را به سوی واقعیات و مادیات می‌کشاند و حتی می‌شود گفت نمی‌کشاند، بلکه می‌راند؛ با تاز، پانه‌امیل به پشت‌عریانش می‌کوبید و نوارهایی سرخ بر آن به‌جامی‌گذاشت و او را از انتزاع به‌سوی واقعیت می‌راند؛ از نیروانا به‌سوی سمسار، او هم راضی بود؛ بنگار تهوع داشته‌باشد، بنگار بومنز جر کندند باشد؛ بنگار واقعیات در همه‌موارد عیش زبیبی شناسله‌وار اسیراب نکند، ولی مگر این را می‌توان مصیبتی بزرگ برای انسانی دانست که انبوهی واقعیات زندگی را برای انتخاب در اختیار دارد می‌تواند از قطار به آنها بنگرد، رمان «هرا به کنگار اکس نبر!» نوشته اندری کور کوف با ترجمه آبتین گلکار منتشر شده‌است. این نویسنده در رمان‌هایش به اتفاقات و واقعیت‌های بلوک شرق پس از فروپاشی شوروی می‌پردازد «سرما شدت گرفته بود. باد هر از گاهی تکتانی به برف روی درختان کاج می‌داد و آن را پایین می‌ریخت. رادتسکی در حالی که بالا و پایین می‌پرد تا خود را گرم کند، گفت: «ها که این طوری نمی‌توانیم برگردیم.» تورسوف روی جعبه نشست و فارغ از دنیا به ریل‌ها خیره شد که به شکل دو خط موازی از برف بیرون زده بودند. آهسته گفت: «لادمی آید» - بله، بالاخره که مطمئنا یک چیزی به‌سرآغم‌ان می‌آید، ولی شکم را هم باید سیر کرد. آتش بده سیگار مارا روشن کنم، پروفسور! وقتی همه چیز سهل و ساده‌است، توبه مشکل می‌خوری و وقتی باید به فکر این باشی که چطور از مخمصه جان سالم به‌در ببری، انگار که دندان عقلت را کشیده‌باشند؛ اصلا عین خیالت نیست! - چرا عین خیالم نیست؟ عین خیالم هست؛ ولی جمعه‌سنگین است. رادتسکی متفکرانه نفسش را بیرون داد: «جعبه... باید کوله را وارسی کنیم. شاید خوردنی تویش باشد.» گر چه کتاب تاریخ نیست اما اثری خواندنی از دورانی سپری شده‌است. بسته‌های اسناد سری از گذشته‌های که حالا کارایی چندانی ندارد و سند خیانت و جنایت مسوولان وقت علیه ملت بوده، مهر و موم شده‌است. کسانی که برای انتقال محموله استخدام شده‌اند در میانه مسیر در نقاطی توقف می‌کنند که یادآور آرمان شهرهای انتزاعی است؛ از جمله مهمانخانه مشعل و کنگار اکس که ساکنان‌شان ظاهرا هیچ‌چیز و گرفتاری ندارند و به منتهای درجه از زندگی‌شان راضی هستند، ولی زندگی آنان برای قهرمان داستان، تورسوف، رضایت‌بخش نیست و به‌همین علت می‌گوید «هرا به کنگار اکس نبر!»

متن در حاشیه

دنیای می‌شود و به این ترتیب می‌توان گفت آنچه در شامگاه غم‌انگیز دوشنبه گذشته در پاریس سوخت، بخشی از میراث ماملوس بشریت

است زمانی که نوتردام دچار حریق شد، خبر آتش‌سوزی در سرت تیر بهر همه خبر‌گزار ی‌های جهان قرار گرفت و همگان را در بهت و ناراحتی فرو برد. در ایران ما در قالب ایکوم مراتب همدردی خود را با جامعه فرهنگی فرانسه بیان و تمایل خود را به همکاری با آنها در صورت نیاز اعلام کردیم.

ما در ایران تجربه سوختن یک اثر تاریخی را در سده‌های گذشته داشته‌ایم، کاخ چهلستون که در زمان عباس‌عاس اول و دوم ساخته شد، در دوران شاهسلطان حسین آخرین پادشاه صفویه طعمه حریق شد و بخش‌هایی از آن از بین رفت. خوشبختانه قدرت اقتصادی و هنری در این دوران به بازسازی کامل این بنا کمک کرد.

ما بسیار خوش شانس هستیم که کاخ چهلستون را در کنار خود داریم و امیدواریم که این اتفاق برای آثار تاریخی ما و به ویژه سایت‌های ثبت شده در میراث جهانی یونسکو پیش نیاید.

البته در زلزله بم یکی از سایت‌های ما یعنی ارگ بم به چالش جدی مواجه شد اما کمک‌های جهانی به واسطه همین حساسیت جهانی در ابعاد مختلف کارشناسی و... به ایران سرازیر شد تا دنیا از این ارگ محروم نشود.



نوتردام و جان سوخته فرهنگ

در تغییر و تحولاتی که بشر در دهه‌های اخیر تجربه کرده، مردم در مناطق مختلف جهان در وجه مختلف فرهنگی و اطلاعاتی به هم نزدیک‌تر شده‌اند. در چنین فضایی از فاصله‌ها کاسته شده‌است. در چنین فضای آنچه از گذشته بشر به جا مانده، تنها به یک قوم یا فرهنگ خاص تعلق ندارد و میراثی مشترک قلمداد می‌شود.

یونسکو به‌اشکال مختلف از این میراث حفاظت می‌کند، در یکی از دسته‌بندی‌ها، ما سایت‌های میراث جهانی یونسکو را داریم که بر مبنای مجموعه‌ای از شاخص‌ها از سوی کارشناسان این نهاد انتخاب می‌شوند.

کلیسای نوتردام یکی از بناهای تاریخی ثبت شده در یونسکو است. اما فراتر از وجوه تاریخی و هنری، این کلیسا در ادبیات، شعر و سینما و ابعاد مختلف هنری باز نمود داشته و بخشی از حافظه انسان امروزی قلمداد می‌شود.

چنین جایگاهی را در بابلو «مونالیزا» اثر لئوناردو داوینچی هم می‌بینیم، به طوری که برای برخی انگیزه رفتن به موزه لوور دیدن این تابلو است.

کلیسای نوتردام تنها میراثی متعلق به پارسی‌ها، فرانسوی‌ها، اروپایی‌ها - یا فرانسوی‌زبانان جهان نیست، این کلیسا برای کل جامعه فرهنگی جهان اثری ارزشمند است. اینکه کلیسای نوتردام از میراث تاریخی پاریس و فرانسه فراتر است و در فهرست میراث بشری قرار دارد، از آن روست که این کلیسا حتی برای آنکه هرگز پاریس را ندیده نیز خاطره‌ای دارد، کافی است گویشت نوتردام را خوانده باشد یا روی پرده سینما یکی از فیلم‌های مربوط به جنگ دوم را که در پاریس می‌گذرد دیده باشد.

این گونه است که نوتردام از خاطره مردم یک شهر وسیع‌تر می‌شود و تبدیل به خاطره مشترک همه اهالی فرهنگ و هنر در سراسر دنیا می‌شود و به این ترتیب می‌توان گفت آنچه در شامگاه غم‌انگیز دوشنبه گذشته در پاریس سوخت، بخشی از میراث ماملوس بشریت است زمانی که نوتردام دچار حریق شد، خبر آتش‌سوزی در سرت تیر بهر همه خبر‌گزار ی‌های جهان قرار گرفت و همگان را در بهت و ناراحتی فرو برد. در ایران ما در قالب ایکوم مراتب همدردی خود را با جامعه فرهنگی فرانسه بیان و تمایل خود را به همکاری با آنها در صورت نیاز اعلام کردیم.

ما در ایران تجربه سوختن یک اثر تاریخی را در سده‌های گذشته داشته‌ایم، کاخ چهلستون که در زمان عباس‌عاس اول و دوم ساخته شد، در دوران شاهسلطان حسین آخرین پادشاه صفویه طعمه حریق شد و بخش‌هایی از آن از بین رفت. خوشبختانه قدرت اقتصادی و هنری در این دوران به بازسازی کامل این بنا کمک کرد.

ما بسیار خوش شانس هستیم که کاخ چهلستون را در کنار خود داریم و امیدواریم که این اتفاق برای آثار تاریخی ما و به ویژه سایت‌های ثبت شده در میراث جهانی یونسکو پیش نیاید.

البته در زلزله بم یکی از سایت‌های ما یعنی ارگ بم به چالش جدی مواجه شد اما کمک‌های جهانی به واسطه همین حساسیت جهانی در ابعاد مختلف کارشناسی و... به ایران سرازیر شد تا دنیا از این ارگ محروم نشود.

هشتگ روز

شباهت بارسا و پرسپولیس؟! هر دو قهرمان آسیا نشدند

سه‌شنبه شب، شبی نفس‌گیر برای لیگ فوتبال قهرمانان و علاقه‌مندانش بود و در پایان تیم‌های بارسلون و آژاکس صعود کردند. طرفداران بارسا حین بازی این تیم با منچستر یونایتد، خوشحال از برد تیم‌شان، هشتگ «بارسا» را داغ کردند. آنچه می‌خوانید، منتخبی از نوشته‌های طرفداران تیم فوتبال بارسا در توئیتر فارسی است:

«دیشب بارسا و آژاکس تو لیگ قهرمان اروپا صعود کردن اما دوتاشون رو هم دیگه اندازه استقلال‌لی بعد از برد سپاهان خوشحالی نکردن»، «این آژاکس یکی از زیباترین فوتبال‌های سالیان اخیر (طبعاً به سلیقه من) و رو بازی می‌کنه. به امید فینال بارسا - آژاکس»، «برای نسل آینده بنویسید که هواداران بارسا هر هفته به نیوکمپ نمی‌رفتن تا فوتبال ببینن. به نیوکمپ می‌رفتن تا معجزه ببینن»، «بعد از فرگوسن منچستر نابود شد. دیگه هیچ کس مثل خودش نبودد بشینه رو نیمکت و وقتی از بارسا گل میخورن دستاش بلرزه»، «منچستر یونایتدی‌هایی که می‌خواستن جلو بارسا کامبک بزنن چطورن»، «فینال بارسا - آژاکس باشه، باید رسماً اعلام کنن که «فوتبال» پیروز شد». «همه‌تون بعد فصل باید بیاید بارسا، میتونن رو هم بیان»، «کسایی

#پارسا

شباهت بارسا و پرسپولیس؟! هر دو قهرمان آسیا نشدند

که بیماری قلبی دارن نباید بازی بارسا منچستر رو می‌دیدن»، «کاش یکی به این داور بگه باشم بشاره نمی‌تونه بازی بارسا رو حذف کنه، ارزش نداره آنقدر فحش به جونش بخره»، «واسه اولین بار تو زندگی‌م از گل بارسا خوشحال شدم. کل کل داره به هونیم آسیب می‌زنه»، «شوت آروم مسی از زیر بغل دخا قیل خورد تو گل بارسا. خیابانی: ردی که تو زندگی شخصی رسوایی‌های اخلاقی زیادی داره حالا به رسوایی فنی از خودش به جامی‌داره»، «وای!!! حالا من که لیورپول و بارسا رو دوست دارم دوتاشون بیان بالا می‌خورن به هم، نابود می‌شم که»، «در مورد بارسا منچستر فقط تو لفاقه می‌تونم بهتون بگم منچستر صعود می‌کنه، اما پوهه آژاکس رو بالاخره بعد چند ساعت جلسه موفق شدیم رو ۴ - ۰ یونیتوس توافق کنیم»، «تنها شباهت بارسا و پرسپولیس اینه هر دو قهرمان آسیا نشدن - خیابانی: وسط بازی بارسا - منچستر یونایتد گفت اگر منچستر یک گل بزنه بازی قطعاً گرم‌تر میشه، ما مانم یهو گفت: برو بابا تو یکی. مامان فوتبالی و پیگیر کی داره؟»، «بازی بارسا و منچستر تموم شده، این رو میشه از کل کل‌های نرگس و فرناز تو گروه‌برای مرحله بعد فهمید»، «بارسا و یونایتد اگر لانگ رنج بازی می‌کردن ۴ - ۰ بود بازی»،

خبرگزاری مهر با انتشار مجموعه عکس تصویری با عنوان «زخم تبر بر تن درختان ارسبران» گزارش داده است: «با توجه به افزایش قابل توجه قیمت چوب باغداران منطقه ارسبران اقدام به قطع کردن درختان کرده‌اند که این اقدام با انتقادات شدید افکار عمومی روبه‌رو شده است. خبرنگاران جهت مطلع شدن از وضعیت این درختان از باغات منطقه بازدید کردند. به اعتقاد کارشناسان امر قطع یروبه درختان، کاهش پوشش گیاهی و فرسایش خاک از عوامل اصلی در جاری شدن سیل است.» عکسی که می‌بینید از این مجموعه انتخاب شده است.

